

فهرست

قرابت معنایی

۵۰	درس چهاردهم الف) طوطی و بقال	۱۱	ستایش: به نام کردگار
۵۲	ب) گنج حکمت: ای رفیق!		درس یکم
۵۳	درس شانزدهم الف) خسرو	۱۲	الف) چشمه
۵۷	ب) روان خوانی: طزاران	۱۵	ب) گنج حکمت: خلاصه دانش‌ها
۵۷	درس هفدهم الف) سپیده دم	۱۶	درس دوم الف) از آموختن ننگ مدار
۵۸	ب) گنج حکمت: مزار شاعر	۱۸	ب) روان خوانی: دیوار
۵۸	درس هجدهم الف) عظمت نگاه	۱۹	درس سوم الف) سفر به بصره
۶۱	ب) روان خوانی: سه پرسش	۲۱	ب) گنج حکمت: شبی در کاروان
۶۱	نیایش: الهی		درس پنجم
۶۳	آزمون‌های کتبی سال دهم (آزمون اول تا دهم)	۲۲	الف) کلاس نقاشی
		۲۳	ب) روان خوانی: پیرمرد چشم ما بود
			درس ششم
۹۱	ستایش: لطف خدا	۲۴	الف) مهر و وفا
	درس یکم	۲۷	ب) گنج حکمت: حقه راز
۹۲	الف) نیکی		درس هفتم
۹۵	ب) گنج حکمت: همت	۲۸	الف) جمال و کمال
	درس دوم	۳۱	ب) شعرخوانی: بوی گل و ریحان‌ها
۹۶	الف) قاضی بست		درس هشتم
۹۸	ب) شعرخوانی: زاغ و کبک	۳۳	الف) پاسداری از حقیقت
	درس سوم	۳۵	ب) گنج حکمت: دیوار عدل
۹۹	الف) در امواج سند		درس نهم
۱۰۰	ب) گنج حکمت: چو سرو باش	۳۵	الف) بیداد ظالمان
	درس پنجم	۳۸	ب) شعرخوانی: همای رحمت
۱۰۲	آغازگری تنها		درس دهم
	درس ششم	۴۰	الف) دریادلان صف‌شکن
۱۰۳	الف) پرورده عشق	۴۲	ب) گنج حکمت: یک گام، فراتر
۱۰۷	ب) گنج حکمت: مردان واقعی		درس یازدهم
	درس هفتم	۴۲	الف) خاک آزادگان
۱۰۷	الف) باران محبت	۴۴	ب) روان خوانی: شیرزنان ایران
۱۱۱	ب) شعرخوانی: آفتاب حسن		درس دوازدهم
	درس هشتم	۴۴	الف) رستم و اشکبوس
۱۱۲	الف) در کوی عاشقان	۴۶	ب) گنج حکمت: عامل و رعیت
۱۱۵	ب) گنج حکمت: چنان باش ...		درس سیزدهم
	درس نهم	۴۸	الف) گردآفرید
۱۱۶	الف) ذوق لطیف	۵۰	ب) شعرخوانی: دلیران و مردان ایران زمین
۱۱۸	ب) روان خوانی: میثاق دوستی		

قرابت معنایی

۱۹۲	درس هفتم الف) در حقیقت عشق	۱۱۹	درس دهم الف) بانگ جَرَس
۱۹۶	ب) شعرخوانی: صبح ستاره‌باران	۱۲۱	ب) گنج حکمت: به یاد ۲۲ بهمن
۱۹۷	درس هشتم الف) از پاریز تا پاریس	۱۲۱	درس یازدهم الف) یاران عاشق
۲۰۰	ب) گنج حکمت: سه مَرکب زندگی	۱۲۳	ب) شعرخوانی: صبح بی تو
۲۰۰	درس نهم الف) کویر	۱۲۴	درس دوازدهم الف) کاوۀ دادخواه
۲۰۲	ب) روان‌خوانی: بوی جوی مولیان	۱۲۷	ب) گنج حکمت: کاردانی
۲۰۳	درس دهم الف) فصل شکوفایی	۱۲۸	درس چهاردهم الف) حملةٔ حیدری
۲۰۵	ب) گنج حکمت: تیرانا!	۱۳۰	ب) شعرخوانی: وطن
۲۰۶	درس یازدهم الف) آن شب عزیز	۱۳۱	درس پانزدهم الف) کبوتر طوق‌دار
۲۰۷	ب) شعرخوانی: شکوه چشمان تو	۱۳۴	ب) گنج حکمت: مهمان ناخوانده
۲۰۸	درس دوازدهم الف) گذر سیاوش از آتش	۱۳۵	درس شانزدهم الف) قصهٔ عینکم
۲۱۰	ب) گنج حکمت: به جوانمردی کوش	۱۳۶	ب) روان‌خوانی: دیدار
۲۱۱	درس سیزدهم الف) خوان هشتم	۱۳۷	درس هفدهم الف) خاموشی دریا
۲۱۳	ب) شعرخوانی: ای میهن!	۱۳۸	ب) گنج حکمت: تجسم عشق
۲۱۳	درس چهاردهم سی‌مرغ و سیمرغ	۱۳۹	درس هجدهم الف) خوان عدل
۲۱۹	درس شانزدهم الف) کباب غاز	۱۴۱	ب) روان‌خوانی: آذرباد
۲۲۱	ب) روان‌خوانی: ارمیا	۱۴۱	نیایش: الهی
۲۲۲	درس هفدهم خندهٔ تو	۱۴۳	آزمون‌های کلی سال یازدهم (آزمون یازدهم تا بیستم)
۲۲۴	درس هجدهم الف) عشق جاودانی		
۲۲۶	ب) روان‌خوانی: آخرین درس	۱۷۰	ستایش: ملکا، ذکر تو گویم
۲۲۷	نیایش: لطف تو		درس یکم شکر نعمت
۲۲۹	آزمون‌های کلی سال دوازدهم (آزمون بیست‌ویکم تا سی‌ام)	۱۷۲	درس دوم الف) مست و هُشیار
۲۵۷	آزمون‌های جامع (سی و یکم تا چهلم)	۱۷۶	ب) شعرخوانی: در مکتب حقایق
		۱۷۹	درس سوم آزادی - دفتر زمانه
		۱۸۱	درس پنجم دماوندیه
		۱۸۴	درس ششم الف) نی‌نامه
		۱۸۷	ب) گنج حکمت: آفتابِ جمال حق
		۱۹۲	

قرابت‌نامهٔ سال یازدهم

پاسخ‌نامه

۲۸۴	پاسخ‌نامهٔ تشریحی
۴۹۴	پاسخ‌نامهٔ آزمون‌های جامع
۵۱۹	پاسخ‌نامهٔ کلیدی

قرابت معنایی

ستایش: به نام کردگار

۱- بیت «به نام کردگار هفت افلاک / که پیدا کرد آدم از کفی خاک» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- | | |
|---------------------------|-------------------------------|
| ۱) خدایی کافرینش در سجودش | ۲) خرد داد و گردان سپهر آفرید |
| ۳) مراد دیده باریک‌بینان | ۴) وجودش بر همه موجود قاهر |

۲- کدام بیت با مصراع دوم بیت زیر قرابت معنایی دارد؟

«به نام کردگار هفت افلاک / که پیدا کرد آدم از کفی خاک»

- | | |
|----------------------------------|--------------------------------|
| ۱) ملک آل بنی‌آدم ندارد قیمتی | ۲) ای همه هستی ز تو پیدا شده |
| ۳) با پاسبان کویش در خاک می‌رویم | ۴) صورت از با تو نباشد گو مباش |

۳- بیت «الهی، فضل خود را یار ما کن / ز رحمت، یک نظر در کار ما کن» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- | | |
|----------------------------------|--|
| ۱) اوراق فلک دفتر فضل و هنر اوست | ۲) به گل و خار رسد فیض بهاران یکسان |
| ۳) ای پسر در صحبت مردان درآی | ۴) یارب از ما چه فلاح (=رستگاری) آید اگر تو نپذیری |

۴- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- | | |
|--------------------------------------|---|
| ۱) گفته‌ای بر زاری افتادگان بخشش کنم | ۲) به چشم مرحمت سویم نظر کن |
| ۳) ز خاک آفریدت خداوند پاک | ۴) گر گناهم سخت بسیار است، رحمت نیز هست |

۵- مفهوم کدام بیت از سایر ابیات دور است؟

- | | |
|---------------------------------|---------------------------------|
| ۱) ضامن رزق همه شد کردگار | ۲) گشته قانع به رزق و روزی خویش |
| ۳) روزی او می‌خورند عارف و عامی | ۴) چنان پهن، خوان کرم گسترد |

(کانون فرهنگی آموزش ۹۶)



ب) شعرخوانی: دلیران و مردان ایران زمین

۲۰۰- کدام گزینه مفهومی متفاوت با سایر گزینه‌ها دارد؟

- ۱) اگر یاورت پاک یزدان بؤد
 - ۲) بکوشید و پیکار مردان کنید
 - ۳) به نیروی یزدان نیکی‌دهش
 - ۴) ز گیتی به یزدان پناهد و بس
- به کام تو خورشید گردان بود
پناه از بلاها به یزدان کنید
کزین کوه آتش نیابم تپش
که دارنده اویست و فریادرس

۲۰۱- بیت «شما را چو باور به یزدان بود / هم او مر شما را نگهبان بود» با کدام گزینه ارتباط مفهومی دارد؟

- ۱) و گر حسود نه راضی‌ست گو به رشک بمیر
 - ۲) دامن دوست به دست آر و ز دشمن بگسل
 - ۳) چرا اندیشم از گرد گنه با رحمت یزدان؟
 - ۴) مُلک دنیا را چه قیمت؟ حاجت این است از خدای
- که مرتبت به سزاوار می‌دهد یزدان
مرد یزدان شو و فارغ گذر از اهرمان
به دریا سیل چون پیوسته شد یکرنگ می‌گردد
گو نگه دارد به ما بر ملک ایمان و یقین

۲۰۲- بیت زیر با همه گزینه‌ها به جز گزینه قربان معنایی دارد. (کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

«شما را چو باور به یزدان بؤد / هم او مر شما را نگهبان بؤد»

- ۱) سعدیا گر بگند سیل فنا خانه عُمَر
 - ۲) که گرچه مرغ، تو گل کند به دانه و آب
 - ۳) خدا وقتی بخواهد می‌شود وقتی نخواهد نه
 - ۴) گر خلق تکیه بر عمل خویش کرده‌اند
- دل قوی دار که بنیاد بقا محکم از اوست
به دست خود ز برای خود آشیانه کند
گلی بازیچه طوفان غارتگر نخواهد شد
ما را بس است رحمت و فضل تو، متکا

۲۰۳- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟ (کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

- ۱) در سفر محنت چه زود به سر می‌آید
 - ۲) زنده باد آن کس که هست از جان هوادار وطن
 - ۳) ای نگهبان وطن، نوبت جان‌بازی توست
 - ۴) به بوستان وطن سرو و سوسن‌اند همه
- همه عمر به چاه است گرفتار وطن
هم وطن غمخوار او هم اوست غمخوار وطن
سر فدا ساز که هنگام سرافرازی توست
به روز فتنه نگهبان میهن‌اند همه

درس چهاردهم

الف) طوطی و بقال

۲۰۴- مفهوم کدام گزینه با مفهوم بیت «ریش برمی‌کند و می‌گفت: ای دریغ / کآفتاب نعمتم شد زیر میغ» متناسب است؟

- ۱) سرت به تیغ غمش گر ز تن جدا گردد
 - ۲) ز دست رفت مرا بی تو روزگار، دریغ!
 - ۳) کجا رفتی بدین زودی نگارا
 - ۴) ای دریغا هیچ کس را نیست تاب
- دریغ نیست که در پای مهربانی رفت
نه یک دریغ که هر دم هزار بار دریغ
زهی حسرت، دریغا رنج ما را
دیده‌ها کور و جهان پرافتاب

۲۰۵- مفهوم کدام گزینه به مفهوم مصراع «کم کسی ز ابدال حق آگاه شد» نزدیک تر است؟

- ۱) در دل اهل جهان دارد شکوه کوه قاف
- ۲) پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست
- ۳) در خرابات ز اسرار حقیقت «صائب»
- ۴) از کمال غیرت حق، اولیا

۲۰۶- مفهوم کدام گزینه با سایر گزینه‌ها تفاوت دارد؟

- ۱) از یکی آب نقش می‌بندد
- ۲) ابر رحمت نکند فرق گل و خار از هم
- ۳) نه هر درخت که روید ز خاک، باشد سرو
- ۴) جُرم از خار است اگر نه فیض ابر

۲۰۷- کدام گزینه با بیت «کار پاکان را قیاس از خود مگیر / گرچه ماند در نبشتن شیر و شیر» تناسب

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

مفهومی ندارد؟

- ۱) سحر را با معجزه کرده قیاس
- ۲) هر دو صورت گر به هم ماند، رواست
- ۳) زین عصا تا آن عصا فرقی است ژرف
- ۴) حرف، ظرف آمد در او معنی چو آب

۲۰۸- مفهوم مقابل بیت «چون بسی ابلیس آدم روی هست / پس به هر دستی نشاید داد دست» در کدام

گزینه دیده می‌شود؟

- ۱) هر که اخلاق ظاهرش با خلق
- ۲) ای بسا آدم که ابلیسی کند
- ۳) از دشمنم چه بیم که با دوست همدمم
- ۴) ترک عُجب و کبر کن تا قبله عالم شوی

۲۰۹- مفهوم کدام گزینه با تمثیل «هر دو گون زنبور خوردند از محل / لیک شد ز آن نیش و زین دیگر عسل»

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

متناسب است؟

- ۱) در حجره مهجوران چون کلبه زنبوران
- ۲) برگ‌ها هم‌رنگ باشد در نظر
- ۳) گر به مثل سنگ طور، آینه گردد
- ۴) حقا که تویی سایه حق گرچه به تحقیق

۲۱۰- کدام گزینه مفهومی متفاوت دارد؟

- ۱) دیو هم وقتی سلیمانی کند
- ۲) زین عصا تا آن عصا فرقی است ژرف
- ۳) احمد و بوجهل در بتخانه رفت
- ۴) زَر قلب و زَر نیکو در عیار

- ۱) لیک هر جولاهه (= بافنده)، اطلس کی تَنَد؟
- ۲) زین عمل تا آن عمل راهی شگرف
- ۳) زین شدن تا آن شدن، فرقی است زَفَت (= بسیار)
- ۴) بی محک هرگز ندانی ز اعتبار

آزمون های کلی سال دوم

آزمون اول

۲۶۵- در کدام بیت به نکته متفاوتی از ابیات دیگر اشاره شده است و با دیگر ابیات تناسب مفهومی کمتری دارد؟ (۸۴ نالی)

- | | |
|---|--|
| ۱) غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور | پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم تو را |
| ۲) در راه عشق، فاصله قُرب و بعد نیست | می‌بینم عیان و دعا می‌فرستم |
| ۳) از دست غیبت تو شکایت نمی‌کنم | تا نیست غیبتی، نبُود لَدّت حضور |
| ۴) تو نه مثل آفتابی که حضور و غیبت افتد | دگران روند و آیند و تو هم‌چنان که هستی |

۲۶۶- مفهوم کدام بیت با مفهوم عبارت «در بدایت بند و چاه بود؛ در نهایت تخت و گاه بود.» متناسب است؟

- | | |
|---------------------------------------|------------------------------------|
| ۱) عزیزی ناگه افتادی به زاری | ز جاه یوسفی در چاه خواری |
| ۲) عزیز مصر به رگم برادران غیور | ز قعر چاه برآمد، به اوج ماه رسید |
| ۳) بند و زندان گرامی‌گهران از جاه است | یوسف ما به عزیزی چو رسد در چاه است |
| ۴) مکن شتاب به هر ورطه‌ای که افتادی | که ماه مصر برآمد ز چاه، زندان یافت |

۲۶۷- کدام گزینه با بیت «بلندی از آن یافت کاو پست شد / در نیستی کوفت تا هست شد» تناسب بیشتری دارد؟

- | | |
|---|---------------------------------------|
| ۱) از کریمان هر قدر لطف و تواضع خوش‌نماست | سرکشی و بی‌نیازی از گدا زبینه است |
| ۲) مگذر از یاران که در هنگام کارافتادگی | واجب آن باشد که یاران یاری یاران دهند |
| ۳) آن کس که اوفتاد، خدایش گرفت دست | گو بر تو باد تا غم افتادگان خوری |
| ۴) «اوحدی» بر درش افتادگی از دست مده | زان که افتادگی این‌جا مددِ جاه شود |

۲۶۸- بیت «تویی رزاق هر پیدا و پنهان / تویی خلاق هر دانا و نادان» با کدام بیت تناسب مفهومی ندارد؟

- | | |
|------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱) قسمت خود می‌خورند مُنعم و درویش | روزی خود می‌برند پشه و عنقا (= سیمرغ) |
| ۲) از درِ بخشندگی و بنده‌نوازی | مرغِ هوا را نصیب و ماهی دریا |
| ۳) هر که نداند سپاس نعمت امروز | حیف خورد بر نصیب رحمت فردا |
| ۴) اکبر و اعظم خدای عالم و آدم | صورت خوب آفرید و سیرت زیبا |

۲۶۹- کدام گزینه با بیت «شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم / زود آیند و زود می‌گذرند» تناسب مفهومی بیشتری دارد؟

- | | |
|---|------------------------------------|
| ۱) نیک و بد چون همی ببايد مُرد | خُنک آن کس که گوی نیکی بُرد |
| ۲) این باقی عُمر را به شادی گذران | کس بازنبیند این جهان دیگر بار |
| ۳) شادی گریزپای بود، دل درو مبند | غمخوار تو غم است، پی غمگسار گیر |
| ۴) حافظا، چون غم و شادی جهان در گذر است | بهر آن است که من خاطر خود خوش دارم |

قربت معنایی

شایش بلف خدا

۴۱۵- کدام گزینه با بیت «بلند آن سر، که او خواهد بلندش / نژند آن دل، که او خواهد نژندش» قرابت مفهومی دارد؟

- (۱) بادی بلند و دشمن تو پست و سرتگون
 (۲) کسی را که قهر تو در سر فکند
 (۳) خواهی که سربلند شوی از هوای او
 (۴) در همه چشمی عزیز و نزد تو خوایم
- ۴۱۶- مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- (۱) وجود تو در حضرت تنگبار
 (۲) بدو هیچ پوینده را راه نیست
 (۳) جواهربخش فکرت‌های باریک
 (۴) چون خرد در ره تو پی گردد
- ۴۱۷- مفهوم بیت زیر را در کدام بیت نمی‌توان یافت؟

- «به ترتیبی نهاده وضع عالم
 که نی یک موی باشد بیش و نی کم»
- (۱) جهان چون چشم و خال و خطّ و ابروست
 (۲) اگر یک ذره را برگیری از جای
 (۳) دور از تو در جهان فراخم مجال نیست
 (۴) چنان ساخت هر چیز به انداز (=اندازه) خویش
- ۴۱۸- کدام گزینه با بیت «به ترتیبی نهاده وضع عالم / که نی یک موی باشد بیش و نی کم» تناسب مفهومی دارد؟

- (۱) چنان کرد آفرینش را به آغاز
 (۲) زمین دایره مینا خونین جگرم، می ده
 (۳) نیست در دایره یک نکته خلاف از کم و بیش
 (۴) به چشم عقل در این رهگذار پرآشوب
- ۴۱۹- کدام گزینه با بیت «وگر توفیق او یک سو نهاد پای / نه از تدبیر کار آید نه از رای» تناسب مفهومی ندارد؟

- (۱) قدم در کوی جانان نه به تحقیق
 (۲) وگر عنایت و توفیق حق نگیرد دست
 (۳) در آن موقف که لطفش روی پیچ (=روی گردان) است
 (۴) چشم تدبیرم نمی‌بیند به تاریکی جهل
- که تا یابی در اینجا گاه توفیق
 به دست سعی تو باد است تا نپیمایی
 همه تدبیرها هیچ است، هیچ است
 جرم‌بخشایا، به توفیقم چراغی پیش دار



۶۰۳- در کدام گزینه، مفهومی همانند عبارت زیر دیده نمی‌شود؟

«علم، در همه بابی لایق است و عالم، در آن باب، بر همه فایق.»

- | | |
|-------------------------------|----------------------------|
| ۱) علم را دام مال و جاه مساز | بر ره خود ز حرص، چاه مساز |
| ۲) چون تو با علم آشنا گشتی | بگذری ز آب نیز بی‌کشتی |
| ۳) آفتاب است عقل و ماهت روح | جهل، طوفان و علم، کشتی نوح |
| ۴) جهل و کوریت، سر به چاه کشد | علم و بینندگی، به ماه کشد |

درس چهاردهم

الف) حمله حیدری

۶۰۴- «دلیران میدان گشوده نظر / که بر کینه اول که بندد کمر» یعنی:

- ۱) هر دلاوری می‌خواست اولین فرد میدان جنگ باشد.
 - ۲) دلاوران مترصد بودند که ببینند چه کسی، نخست برای مبارزه گام به میدان می‌گذارد.
 - ۳) همه رزمندگان با تعجب فراوان به نخستین مبارز میدان چشم دوخته بودند.
 - ۴) دلاوران به کینه‌توزی که بند کمر را محکم می‌کرد می‌نگریستند.
- ۶۰۵- مفاهیم «جهاد خالصانه، شدت و هولناکی کارزار، مبارزطلبی، هیبت و تنومندی مبارز، ناکامی» به ترتیب در کدام ابیات دیده می‌شود؟

- | | |
|---------------------------------|-------------------------------|
| الف) چو آن آهنین کوه آمد به دشت | همه رزمگه، کوه فولاد گشت |
| ب) فلک باخت از سهم آن جنگ، رنگ | بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ |
| پ) چو ننمود رخ شاهد آرزو | به هم حمله کردند باز از دو سو |
| ت) پیامد به دشت و نفس کرد راست | پس آن‌گه یاستاد هم‌رزم خواست |
| ث) به نام خدای جهان‌آفرین | بینداخت شمشیر را شاه دین |
| ۱) ث - ب - ت - الف - پ | ۲) پ - ث - ت - الف - ب |
| ۳) ث - پ - ت - ب - الف | ۴) پ - ب - ث - ت - الف |

۶۰۶- مفهوم «رویاری دو پهلوان» در کدام بیت آشکار نیست؟

- ۱) دویدند از کین دل سوی هم
- ۲) به سوی هژیر زیان کرد رو
- ۳) چو آن آهنین کوه آمد به دشت
- ۴) چو ننمود رخ شاهد آرزو

۶۰۷- تصویر بیت زیر در کدام گزینه تکرار شده است؟

- «چو آن آهنین کوه آمد به دشت
- ۱) تو گفتی یکی باره آهن است
 - ۲) بدو داد ژوپین (= نیزه) زهرابدار
 - ۳) ندانند کان ازدهای دژم
 - ۴) نجنباندت کوه آهن ز جای
- همه رزمگه کوه فولاد گشت»
- و گر کوه البرز در جوشن است
که از آهنین کوه کردی گذار
همی کوه آهن رباید به دم
یلان را به مردی تویی رهنمای



۶۰۸- تصویر آفریده شده با «گرد» در همه ابیات مانند بیت زیر است، به جز

«ز بس گرد از آن رزمگه بردمید
 ۱) ز گرد سپه، پیل شد ناپدید
 ۲) همی رفت لشکر به کردار گرد
 ۳) سپاهی که خورشید شد ناپدید
 ۴) به لشکرگه آمد دمام سپاه
 تن هر دو شد از نظر ناپدید»
 کس از خاک، دست و عنان را ندید
 سواران بیدار و مردان مرد
 چو گرد سپاه از میان بردمید
 جهان شد ز گرد سواران سپاه

۶۰۹- «کرد او اندر غزایش کاهلی» یعنی:

۱) ترس از مواجهه با حریف
 ۲) بی رحمی در جنگ با حریف
 ۳) درنگ و اهمال در کشتن حریف
 ۴) شکست خوردن در پیکار

۶۱۰- در کدام گزینه مفاهیم «اخلاص عمل، راسخ بودن، ناکامی، تأیید الهی» به ترتیب آمده است؟

(کانون فرهنگی آموزش ۹۷)

الف) بیفشرد چون کوه پا بر زمین
 ب) چو ننمود رخ شاهد آرزو
 پ) چو غلتید در خاک آن ژنده فیل
 ت) به نام خدای جهان آفرین
 ۱) ت- الف- ب- پ
 ۲) پ- الف- ب- ت
 ۳) ت- الف- پ- ب
 ۴) پ- ت- الف- ب
 بخایید دندان به دندان کین
 به هم حمله کردند باز از دو سو
 بزد بوسه بر دست او، جبرئیل
 بینداخت شمشیر را به شاه دین

۶۱۱- مفهوم مقابل بیت «دویدند از کین دل سوی هم / در صلح بستند بر روی هم» در کدام گزینه دیده نمی شود؟

(کانون فرهنگی آموزش ۹۶)

۱) کم تر ز جنگ دم زن و خواهان صلح باش
 ۲) با ما ز در صلح و صفا بیرون آی
 ۳) به بانگ چنگ بدل شد غریو چنگ چو داد
 ۴) دلم سیمای جنگ از چهره صلح تو می یابد
 تا نشنوی صلی عذاب و عقاب را
 کامروز جهان، جهان دیروزی نیست
 صلی صلح به عالم شه رفیع جناب
 به آن چشمی که بیند در تغافل هم زبانی را

۶۱۲- بیت «گفت: من تیغ از پی حق می زنم / بنده حقم، نه مأمور تنم» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟

۱) در کف مردانگی شمشیر می باید گرفت
 ۲) دشمن از زور تو می ترسد نه از شمشیر تو
 ۳) از سر اخلاص، «صائب»، با رضای حق بساز
 ۴) جمعی که روی تلخ کنند از قضای حق
 حق خود را از دهان شیر می باید گرفت
 زور بازوی علی مرحب کشد نه ذوالفقار
 جنگ دارد بنده بودن با رضای خویشان
 غافل که زهر بر دم تیغ قضا زنند

۶۱۳- بیت «شیر حقم نیستم شیر هوا / فعل من بر دین من باشد گوا» با کدام گزینه تناسب مفهومی ندارد؟

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

۱) طالب راه خدا باش ای پسر
 ۲) چو من پادشاه تن خویش گشتم
 ۳) کوش تا آن نفس که آید پیش
 ۴) نتوان گذشتن از دو جهان بی جهاد نفس
 از ره شیطان ملعون کن حذر
 اگرچند لشکر ندارم امیرم
 نشود فوت از تو ای درویش
 این راه دور قطع به شمشیر می شود

آزمون های کلی سال یازدهم

آزمون یازدهم

۶۷۸- کدام گزینه با بیت «بلند آن سر، که او خواهد بلندش / نژند آن دل، که او خواهد نژندش» تناسب مفهومی دارد؟

- | | |
|--------------------------------------|---|
| (۱) گر خواری و گر عزیزى این‌جا | زان سوست بقا و مُلك و اعزاز (= عزیزداشتن) |
| (۲) مدار خوار دلى را اگرچه خوار بوَد | که بس عزیز (=عجیب، نادر) عزیزاست دل در آن خواری |
| (۳) عزیزى بودم و خوَارم ز عشقت | در این خواری نگر کبرِ خدایى |
| (۴) من و ما رها کن، ز خواری مترس | که با ما، تویی شاه و بی ما، تویی |

۶۷۹- با توجه به درس «در امواج سند»، کدام بیت به موضوع متفاوتی اشاره دارد؟

- | | |
|-----------------------------------|------------------------------|
| (۱) بدان شمشیر تیز عافیت‌سوز | در آن انبوه، کار مرگ می‌کرد |
| (۲) شبی را تا شبی با لشکری خُرد | ز تن‌ها سر، ز سرها خود افکند |
| (۳) چو آتش در سپاه دشمن افتاد | ز آتش هم کمی سوزنده‌تر شد |
| (۴) خروشان، ژرف، بی‌پهنا، کف‌آلود | دل شب می‌دریید و پیش می‌رفت |

۶۸۰- مفهوم عبارت زیر در کدام بیت، مشهود است؟ (۸۷)

«الطاف الوهیت و حکمت ربوبیت به سرّ ملائکه فرو می‌گفت: «أَنَّى أَعْلَمَ ما لا تَعْلَمون» شما چه می‌دانید که ما را با این مشتی خاک، از ازل تا ابد، چه کارها در پیش است؟»

- | | |
|--|---|
| (۱) به صد صورت بدیدم خویشان را | به هر صورت همی‌گفتم من آنم |
| (۲) خداوند خداوندان و صورت‌ساز بی‌صورت | چه صورت می‌کشی بر من، تو دانی من نمی‌دانم |
| (۳) بیا ای جان، تویی موسی و این قالب عصای تو | چو برگیری، عصا گردم چو افکندیم، ثعبانم (=اژدها) |
| (۴) اگر من جنس ایشانم و گر من غیر ایشانم | نمی‌دانم، همین دانم که من در روح و ریحانم |

۶۸۱- مفهوم کدام گزینه با مفهوم ابیات زیر در ارتباط است؟

«برآمد برین روزگار دراز
چنان بُد که ضحاک را روز و شب
کشید اژدها را به تنگی فراز
به نام فریدون گشادی دو لب»

- | | |
|---|--------------------------------------|
| (۱) چرا آرام یک‌جا در بدن پیکان نمی‌گیرد؟ | اگر نه ظلم در چشم ستمگر خواب می‌سوزد |
| (۲) نکنند نالهٔ مظلوم اثر در ظالم | خواب این قوم گران‌سنگ به فریاد شود |
| (۳) دور فلکی یکسره بر مَنهج (= روش) عدل است | خوش باش که ظالم نبرد راه به منزل |
| (۴) ظالم به مرگ سیر نگردهد ز خون خلق | در خواب، کار تشنه‌لبان آب‌خوردن است |



قربت معنایی

ستایش: بلکا، ذکر تو کویم

۸۲۸- همه گزینها به «راهنما بودن خداوند» اشاره دارد، به جز

- ۱) ره نمایی و رهنمایت نه همه جایی و هیچ جاییت نه
- ۲) از این عالم برون ما را خداییست که ره گم کردگان را رهنماییست
- ۳) ز گم کرده ره رهنمایی که یافت؟ ز دود سیه روشنایی که یافت؟
- ۴) دادار غیبدان و نگه دار آسمان رزاق بنده پرور و خلاق رهنما

۸۲۹- مفهوم کدام گزینها با مفهوم بیت «نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگی / نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی» متناسب است؟

- ۱) خرد بخشید تا او را شناسیم بصارت داد تا هم زو هراسیم
- ۲) چنان کرد آفرینش را به آغاز که پی بردن نداند کس بدان راز
- ۳) عقل کَلّی که از تو یافته راه هم ز هیبت نکرده در تو نگاه
- ۴) حکمت این رنگها و نقشها در برگها آن کسی فهمد که او را عقل و هوشی در سر است

(کانون فریبگی آموزش ۹۸)

۸۳۰- مفهوم کدام گزینها با بقیه متفاوت است؟

- ۱) در مجالی که کشد موبک اوصاف تو صف
- ۲) خسته ز درک مشیت همه افهام
- ۳) با همه زیرکی که در خرد است بی خود است از تو و به جای خود است
- ۴) ای برتر از آن که عقل دزاک در راه تو دم زند ز ادراک

۸۳۱- همه گزینها با «نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی» تناسب دارند، به جز

- ۱) هر چه بود و هست و خواهد بود نیز مثل دارد، جز خداوند عزیز
- ۲) هر چه را جویی جز او یابی نظیر اوست دائم بی نظیر و ناگزیر
- ۳) از همه در صفات و ذات جدا لیس شئیء کمثله ابدا
- ۴) در سخا همتاش در عالم نبود در وفای دین، نظیرش هم نبود

۸۳۲- مفهوم کدام بیت با توجه به آیه شریفه «تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ» متفاوت است؟ (ریاضی ۹۰)

- ۱) یکی را همی تاج شاهی دهد یکی را که در بند بینی مخند
- ۲) یکی را که در بند بینی مخند یکی را کند خوار و نژند
- ۳) یکی را دهد تاج و تخت بلند یکی را ز مه اندر آرد به چاه
- ۴) یکی را ز ماهی رساند به ماه یکی را به دریا به ماهی دهد

ب) شعرخوانی: ای میهن!

۱۰۴۹- مفهوم کدام گزینه با مفهوم بیت «تنیده نام تو در تار و پودم، میهن ای میهن / بود لبریز از عشقت وجودم میهن ای میهن» متناسب است؟

- ۱) مهر تو کرده در دلم مسکن
 - ۲) در ره عشق وطن از سر جان خاسته‌ایم
 - ۳) تا جهان باقی‌ست باقی باد ایران بزرگ
 - ۴) ای خطه ایران میهن (= بزرگ)، ای وطن من
- ۱۰۵۰- کدام بیت با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

«اگر مستم اگر هشیار اگر خوابم اگر بیدار

- ۱) در میان دلی و این چه عجب
 - ۲) این وطن مصر و عراق و شام نیست
 - ۳) سعدیا حب وطن گرچه حدیثی است درست
 - ۴) کمند جذبه حب‌الوطن از وادی غربت
- به سوی تو بود روی سجودم، میهن ای میهن!»
- وطن گنج بود ویرانی
این وطن جایی است کماو را نام نیست
نتوان مُرد به‌سختی که من این‌جا زادم
به دریا همچو سیل خوش‌خرام آورد مستان را

درس چهاردهم

سی مرغ و بمرغ

۱۰۵۱- مفهوم کدام گزینه با مفهوم عبارت زیر متناسب است؟

«سال‌ها پیش نیم‌شبی از کشور چین گذشت و پری از پرهایش بر آن سرزمین افتاد. آن پر چنان زیبا بود که هر که آن را دید، نقشی از آن به خاطر سپرد. این‌همه نقش و نگار که در جهان هست، هر یک پرتوی از آن پر است!»

- ۱) وانکردن دیده بر نقش و نگار این جهان
 - ۲) همه بتخانه چین نقش و نگار است ولیک
 - ۳) دو چشم در سر هر کس نهاده‌اند ولی
 - ۴) یک جلوه کرد حسن تو بیرون فکند عکس
- پیش بینا در به روی فتنه‌ها نگشادن است
اهل معنی نپرستند مگر نقش نگار
تو نقش بینی و من نقش‌بند می‌نگرم
هر نقش دلربا که نهان بود در درون

۱۰۵۲- مفهوم کدام گزینه با مفهوم بیت زیر تناسب بیشتری دارد؟

- «شیرمردی باید این ره را شگرف
- ۱) به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل
 - ۲) گرچه منزل بس خطرناک است و مقصد بس بعید
 - ۳) در ره منزل لیلی که خطرناک است در او
 - ۴) راهی‌ست راه عشق که هیچ‌ش کناره نیست
- زان‌که ره دور است و دریا ژرف ژرف»
- که گر مراد نیابم به قدر وسع بکوشم
هیچ راهی نیست کان را نیست پایان غم مخور
شرط اول قدم آن است که مجنون باشی
آن‌جا جز آن که جان بسپارند چاره نیست



آزمون های کلی سال دوازدهم

آزمون بیت ویکم

۱۱۲۷- مفهوم عبارت «باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.» به مفهوم کدام بیت نزدیک است؟
(خارج از کشور ۸۸)

- ۱) از سفله مخواه هیچ زنهار کاطلس (= پارچه ابریشمی) نشود پلاس هرگز
- ۲) روزی ز خزانه کسی خواه کاو را نبود مکاس (= چانه زدن) هرگز
- ۳) گر ترک طمع کنی نباشد ای دل ز کست هراس هرگز
- ۴) نی محنت عشق دیده هرگز نی جور بتان کشیده هرگز

۱۱۲۸- کدام گزینه با بیت «گریز از کفش در دهان نهنگ / که مردن به از زندگانی به ننگ» تناسب کمتری دارد؟

- ۱) به زیر متت کس یک نفس به سر نبرد کسی که شصت خزان و بهار برده به سر
- ۲) به نان خشک قناعت کنیم و جامه دلغ که بار محنت خود به که بار متت خلق
- ۳) خواری متت ز بهر آرزو نتوان کشید ما و عزت، هیچ دیگر گر نباشد گو مباش
- ۴) چو «حافظ» در قناعت کوش وز دنیای دون بگذر که یک جو متت دونان دوصد من زر نمی ارزد

۱۱۲۹- کدام گزینه با «گفت در سر عقل باید، بی کلاهی عار نیست» مضمونی یکسان دارد؟

- ۱) تا توانی با خرد بیگانه باش عقل را غارت کن و دیوانه باش
- ۲) دل اگر پاک بود خانه ناپاک چه باک؟ سر چو بی مغز بود نغزی دستار چه سود؟
- ۳) کشتی خرد است دست در وی زن تا غرقه نگردي اندرین دنیا
- ۴) پابره خرد از مجلس ما دوش گریخت چون که بیرون ز حد عقل و گمانیم همه

۱۱۳۰- بیت «هشت جنت نیز این جا مرده ای ست / هفت دوزخ همچو یخ افسرده ای ست» با کدام گزینه قرابت مفهومی ندارد؟

- ۱) حق پرستانی که از عشق خدا دم می زنند گام اول پشت پا بر هر دو عالم می زنند
- ۲) در جهان آب و گل از درد و داغ عشق او دوزخی دارم که از یاد بهشت افتاده ام
- ۳) گدای کوی تو از هشت خلد مستغنی است اسیر عشق تو از هر دو عالم آزاد است
- ۴) سرمست عشق را ز دو عالم فراغت است زیرا که دارد او به سر خویش عالمی

۱۱۳۱- همه گزینه ها به جز گزینه با عبارت زیر مضمون یکسانی دارند.

«کارمان از آن زندگی پر زرق و برق کدخدایی و کلانتری، به یک اتاق کرایه ای، در یک خانه چنداتاقی کشید.»

- ۱) غم مخور ای دوست کاین جهان بنماید هر چه تو می بینی آن چنان بنماید
- ۲) جان عزیزت که آب خورده قدس است در غم این کهنه خاکدان بنماید
- ۳) راحت و شادیش پایدار نباشد گریه و زاریش جاودان بنماید
- ۴) مطرب ناهید را به ساز طرب بر زخمه انگشتها، روان بنماید

۱- گزینه «۲» در بیت صورت سؤال دو مضمون متفاوت وجود دارد: (۱) آفرینش افلاک (جهان هستی) (۲) آفرینش انسان از خاک. مضمون دوم در هیچ کدام از گزینه‌ها دیده نمی‌شود، ولی ۲ به آفرینش افلاک اشاره دارد. در ۱ شاعر سجود آفریده‌ها در برابر خداوند را شاهدی بر وجود خدا می‌داند. در ۳ خداوند مقصد و مقصود عارفان و اولیاءالله دانسته شده است و در ۴ شاعر «وجود» خداوند را برتر از سایر موجودات می‌داند و نشانه‌ها و آیات الهی را آشکار می‌بیند.

۲- گزینه «۲» مفهوم مشترک مصراع دوم صورت سؤال و ۲ آفرینش انسان از خاک است. در ۱ شاعر به بی‌ارزشی مال و ملک و حکومت دنیوی اشاره کرده، مفهوم ۳ اظهار خاکساری و تواضع عاشق در برابر معشوق است و مفهوم ۴ بی‌ارزش بودن ظاهر و جسم آدمی و باارزش بودن روح و جان اوست. در ۳ «فرقد» نام هر کدام از دو ستاره که نزدیک قطب و در صورت فلکی دب اصغر قرار دارند. «بر فرق فرقد جای نشست ماست» کنایه از والامقامی است.

۳- گزینه «۴» مفهوم بیت سؤال طلب لطف و رحمت از خداوند است. در ۴ نیز شاعر معتقد است از ما رستگار شدن بر نمی‌آید و خداوند را قسم می‌دهد که به حق خداوندی‌اش لطف و رحمتش را بازنگیرد. مفاهیم سایر گزینه‌ها

۱ توصیف فضل و فیض: افلاک مانند دفتری است فضل و علم او در آن ثبت می‌شود و بشر نیز از پرتو فیض او ایجاد شده است.

۲ همان‌طور که لطف و فیض بهار به خار و گل (همه پدیده‌ها) یکسان می‌رسد، لطف و فیض الهی نیز، به صورت یکسان شامل حال همگان می‌شود.

۳ همنشینی با اولیای خدا، سبب بهره‌مندی از لطف الهی است.

۴- گزینه «۳» در ۳ شاعر به مخاطب خود توصیه می‌کند تواضع و فروتنی را پیشه خود سازد، اما مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها، طلب بخشش و مرحمت از خداوند است.

۵- گزینه «۲» مفهوم کلی ۲ قانع‌بودن به رزق و روزی است، مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها فراگیر بودن روزی و رزاقیت خداوند است.

﴿ ۲۰۰ - گزینه ۲ ﴾ در همه گزینه‌ها پناه‌بردن به خداوند (ایمان و توکل به خداوند) یا یاری‌خواستن از او مطرح شده است، پس باید به سراغ مفهومی جزئی‌تر برویم. در ۱، ۳ و ۴ شاعر (ایمان و توکل به خداوند) به نتایج و فرجام نیک خداپناهی اشاره کرده، اما در ۲ فقط توصیه شده است از بلاها به خداوند پناه ببرید.

﴿ ۲۰۱ - گزینه ۲ ﴾ مفهوم بیت سؤال این است که باورداشتن به وجود خدا و ایمان به او، مایه آرامش و امنیت است. در ۲ نیز حافظ می‌گوید: متوسل به دوست (خداوند) شو و از بدخواهان پیوند ببر (دوری کن). مرد خدا باش تا از شر دیوخیان و شیاطین در امان باشی. (ایمان به خداوند مایه امنیت و آسودگی خاطر مرد راه حق است).
 مفاهیم سایرگزینه‌ها

۱ خداوند، به هر کس مطابق لیاقتش می‌بخشد.

۳ امیدواربودن به رحمت بی‌پایان خداوند با وجود گناهان بسیار

۴ از خداوند باید حفظ ایمان و یقین را طلب کرد، نه خواسته‌های بی‌ارزش دنیایی.

﴿ ۲۰۲ - گزینه ۲ ﴾ مفهوم ۲ اتکادداشتن به خود و داشته‌های خود است، اما سایر گزینه‌ها همانند بیت صورت سؤال توصیه می‌کنند که باید به خدا توکل داشت و همه‌چیز را به او سپرد.

﴿ ۲۰۳ - گزینه ۱ ﴾ مفهوم ۱ شکایت از وضع بد وطن و توصیه به رفتن از وطن محور کلام است، اما مفهوم سایر گزینه‌ها وطن‌دوستی و سفارش به حفاظت از وطن است.
 معنی ۱ در سفر، رنج و غم چاه، زود تمام می‌شود، اما کسی که در وطنش گرفتار است، انگار همه عمرش در چاه است.

﴿ ۲۰۴ - گزینه ۳ ﴾ مفهوم اصلی بیت سؤال، افسوس خوردن به خاطر از دست دادن دارایی ارزشمند است، ۳ نیز بر چنین مفهومی دلالت دارد.
 مفاهیم سایرگزینه‌ها

۱ جان‌دادن در راه معشوق جای تأسف ندارد.

۲ افسوس و حسرت خوردن عاشق (شاعر)، بابت تباه و تلف شدن روزگارش در فراق از یار

۴ حقیقت (خداوند) آشکار است؛ افسوس که هیچ کس توان درک آن را ندارد.

﴿ ۲۰۵ - گزینه ۴ ﴾ مفهوم مصراع صورت سؤال، ناشناخته‌ماندن اولیای خدا است. در ۴ نیز همین مفهوم دیده می‌شود.
 مفاهیم سایرگزینه‌ها

۱ گوشه‌نشینی مایه بلندمرتبتگی و شکوه است.

۲ خداوند بر همه هستی ناظر است، اما پنهان از نظرهاست. (آشکارصنعت پنهان: کسی که صنعتش (آفریده‌هایش) آشکار است و خودش پنهان، آفریدگار جهان)

۳ از خود بی‌خود شدن عارف با آگاهی از اسرار / رازداری عارفانه



﴿ ۲۰۶- گزینه ۲ ﴾ مفهوم مشترک ابیات ۱، ۳ و ۴ این است که منشأ یکسان دو چیز دلیل بر یکسانی آنها نیست؛ اما در ۲ این مفهوم وجود ندارد و در آن سخن از این موضوع است که فیض و رحمت به بد و نیک یکسان می‌رسد و در محفل عشق و محبت همه یکسان هستند. (مستور: عقیف، پاکدامن، آبرودار)

﴿ ۲۰۷- گزینه ۴ ﴾ در ۴ شاعر می‌گوید: سخن چون ظرف است و معنی چون آب (یعنی الفاظ، ظروف معنایی هستند و معنایی را در خود می‌گنجانند)، دریای معنایی قرآن است.

اما مفهوم مشترک سایر ابیات همانند بیت صورت سؤال سفارش به دوری کردن از مقایسه امور براساس ظاهر است. در ۱ هشدار داده شده که جادوگری را با معجزه مقایسه نکنیم و فکر نکنیم چون ظاهری یکسان دارند، پس باطنی یکسان دارند. در ۲ در قالب تمثیلی همین مفهوم تکرار شده، آب شیرین و آب شور هر دو در ظاهر زلال هستند، اما یکی شور است و یکی شیرین و در ۳ با اشاره‌ای به داستان حضرت موسی و معجزه او، می‌گوید: عصای موسی با عصای دگران فرق دارد [هر چند در ظاهر یکسان اند] و از عمل موسی (معجزه) تا عمل ساحران (جادوگری) تفاوت زیادی است.

﴿ ۲۰۸- گزینه ۱ ﴾ مفهوم بیت سؤال این است که هر کس به ظاهر انسان باشد، شایسته همنشینی نیست و چه بسا کسانی که در ظاهر انسان هستند و در واقعیت شیطان‌اند؛ پس نباید به ظاهر اعتماد کرد. اما در ۱ سعدی معتقد است: هر کس که خلق و خوی ظاهری و رفتارش با مردم خوب است، به سیرت و باطنش نباید بدگمان بود؛ اعتماد کردن به ظاهر خوب افراد مفهوم مقابل بیت سؤال است.

﴿ مفاهیم سایر گزینه‌ها

۲ هر که ظاهرش انسان باشد، لزوماً انسان نیست. (مفهوم بیت سؤال)

۳ با وجود دوست، از دشمن هراسی نیست.

۴ ترک غرور و خودبینی مایه ارجمندی و کمال است.

﴿ ۲۰۹- گزینه ۲ ﴾ مفهوم مشترک ۲ و صورت سؤال این است که ظاهر مشابه دو چیز دلیل بر باطن و آثار یکسان آنها نیست.

﴿ بررسی گزینه‌ها

۱ به افرادی که در دوری و فراق هستند، هم لذت و شیرینی خوشی دادی و هم درد و ناگواری و ناخوشی.

۳ کوه طور تبدیل به آینه هم شود، تحمل تجلی خداوند را ندارد.

۴ تو حقیقتاً سایه خداوند هستی، هر چند صد برابر ماه نور داری. (صد یک: یک صدم)

﴿ ۲۱۰- گزینه ۴ ﴾ مفهوم مشترک سه گزینه نخست این است که ظاهر مشابه دو چیز دلیل بر باطن یکسان آنها نیست؛ پس نباید با توجه به ظاهر قضاوت کرد، اما در ۴ مفهوم اصلی این است که تفاوت سکه تقلبی و سکه واقعی فقط با محک (ابزار سنجش) مشخص می‌شود.

معنی ۱: دیو هم [پس از دزدیدن انگشتر حضرت سلیمان] مدتی مانند حضرت سلیمان حکومت کرد. (در ظاهر، هر دو حکومت کردند ولی این کجا و آن کجا؟) همان طور که کار هر بافنده‌ای نیست که ابریشم ببافد.

معنی ۳: پیامبر و ابوجهل هر دو به بتخانه رفتند، اما این مشابهت در رفتن است، در واقع تفاوت بنیادین در این رفتن وجود دارد (مثلاً پیامبر برای تخریب بتخانه می‌رود و ابوجهل برای بت پرستی).

﴿ ۲۶۵- گزینه ۳ ﴾ مفهوم ﴿ ۳ ﴾ این است که هجران و جدایی، مقدمه لذت بردن از وصال است؛ (شرط یافتن لذت وصال معشوق، تحمل غیبت و فراق اوست). اما در سایر گزینه‌ها، مفهوم حضور همیشگی و عیان بودن معشوق مشترک است.

﴿ ۲۶۶- گزینه ۲ ﴾ در بیت ﴿ ۲ ﴾ همانند عبارت سؤال مفهوم از فرش به عرش رسیدن وجود دارد. مفاهیم سایر گزینه‌ها

﴿ ۱ ﴾ از عزت به ذلت افتادن (مفهوم مقابل صورت سؤال)

﴿ ۳ ﴾ جاه و مقام برای انسان‌های والا گهر جز گرفتاری نیست.

﴿ ۴ ﴾ پرهیز از تعجیل و شتاب زدگی در سختی‌ها و مصایب. (آدمی پیوسته در سختی و گرفتاری است؛ پس باید پایدار و صبور باشد).

﴿ ۲۶۷- گزینه ۴ ﴾ مفهوم بیت صورت سؤال «تواضع و فواید آن» است. در بیت چهارم نیز، اوحدی مراغه‌ای، شاعر قرن هفتم و هشتم، می‌گوید: ای اوحدی، بر درگاه او فروتنی و تواضع را فراموش نکن؛ زیرا تواضع در این جا، باعث ترفیع مقام می‌شود.

﴿ مفاهیم سایر گزینه‌ها

﴿ ۱ ﴾ ارزشمندی تواضع کریمان و عزت نفس فقیران.

﴿ ۲ ﴾ دوست آن باشد که گیرد دست دوست / در پریشان حالی و درماندگی

﴿ ۳ ﴾ خداوند یاور افتادگان است: به کسی که افتاد (= شکست خورد) و خداوند دستش را گرفت و یاری‌اش کرد بگو تو نیز باید به فکر افتادگان باشی. (در این بیت، «افتادگان» به معنی افراد متواضع نیست، بلکه به معنی افراد عاجز و زمین خورده است).

﴿ ۲۶۸- گزینه ۳ ﴾ ﴿ ۳ ﴾ توصیه به شکرگزاری دارد و عاقبت ناسپاسی را افسوس خوردن در جهان آخرت و بی‌بهرگی از رحمت الهی می‌داند. ﴿ ۱ ﴾ و ﴿ ۲ ﴾ به رزاقیت خداوند اشاره دارند و با مصراع اول بیت صورت سؤال تناسب دارند و ﴿ ۴ ﴾ بیانگر آفرینندگی خداوند است و این مفهوم با مصراع دوم بیت صورت سؤال هم‌مفهوم است.

﴿ ۲ ﴾: [خداوند] از روی بخشش و بنده‌نوازی، حتی به پرندگان آسمان و ماهیان دریا نیز نصیب و روزی می‌رساند.

﴿ ۲۶۹- گزینه ۴ ﴾ مفهوم بیت صورت سؤال «توصیه به خوش‌بودن به علت گذرابودن غم و شادی» است، این مفهوم آشکارا در ﴿ ۴ ﴾ هم دیده می‌شود.



بررسی سایر گزینه‌ها

۱ توصیه به نیکی کردن: حال که قرار است خوب و بد بمیرند، خوشا به حال کسی که به دیگران خوبی می‌کند.

۲ توصیه به خوش‌بودن به علت این که کسی دوباره این دنیا را نمی‌بیند.

۳ زودگذر بودن شادی و ماندگاری غم و غصه

دقت ۲ نیز با بیت صورت سؤال بی‌ارتباط نیست، اما مطابق اصل مقایسه، ۴ به بیت صورت سؤال

نزدیک‌تر است. در ۲ علت توصیه به خوش‌گذرانی این مسئله عنوان شده که انسان یک بار بیشتر

فرصت زندگی در این دنیا ندارد و دوباره متولد نمی‌شود. صورت سؤال و ۴ نیز همانند ۲ توصیه به

شادی می‌کنند، اما به این دلیل که غم و شادی زودگذر است.



﴿ ۴۱۵- گزینه ۲ ﴾ مفهوم بیت سؤال این است که عزّت و ذلّت به دست خداوند است و خداوند هر کس را بخواهد عزیز می‌کند و هر که را بخواهد خوار می‌گرداند. در ﴿ ۲ ﴾ نیز شاعر معتقد است کسی که افکنده خشم خدا باشد، هیچ کس نمی‌تواند او را سربلند بسازد.

﴿ مفاهیم سایر گزینه‌ها ﴾

﴿ ۱ ﴾ دعا برای عزّت و سربلندی ممدوح و خوارشدن دشمنانش (ای ممدوح، الهی عزیز و سربلند باشی و حسودان و دشمنانت خوار و ذلیل گردند).

﴿ ۳ ﴾ خاکساری در برابر معشوق، سبب سربلندی عاشق است.

﴿ ۴ ﴾ در نظر همگان عزیزبودن و در نگاه معشوق بی‌ارزش‌بودن

﴿ ۴۱۶- گزینه ۳ ﴾ در ﴿ ۱ ﴾، ﴿ ۲ ﴾ و ﴿ ۴ ﴾ سخن از وصف‌ناپذیری خداوند و ناتوانی عقل و وهم در شناخت خداوند است، ولی در ﴿ ۳ ﴾ شاعر معتقد است خداوند به افکار دقیق، خاصیت دقیق و اصیل بخشیده است و هم اوست که شب را به روز روشن بدل می‌کند.

• «تنگ‌بار» در بیت اول به معنی «درگاه و بارگاه شاه و امیری که باریافتن در آن دشوار باشد» است. در اصطلاح سالکان، حضرت باری تعالی است که آن‌جا گنجایش هیچ‌چیز نیست، نه از راه وجود و نه از راه تعقل.

• «پی‌گردیدن» در بیت ۴، به معنی «قطع‌شدن دست و پای مرکب (خاصه اسب) با ضربه شمشیر، قلم‌شدن» است.

• معنی مصراع اول بیت (۴): وقتی خرد در راه شناخت و ادراک تو دست و پا بریده و عاجز می‌شود...

﴿ ۴۱۷- گزینه ۳ ﴾ در ﴿ ۱ ﴾، ﴿ ۲ ﴾ و ﴿ ۴ ﴾ همانند بیت سؤال سخن از این است که در جهان هر چیزی سر جای خود و به‌اندازه است و سر سوزنی کم و زیاد نیست. در ﴿ ۳ ﴾ این مفهوم دیده نمی‌شود و شاعر از غم و اندوه خود در دوری معشوق سخن می‌گوید و معتقد است جهان در نظر افراد غمگین و افسرده با همه وسعت و فراخی، کوچک و تنگ است.

﴿ ۴۱۸- گزینه ۳ ﴾ بیت صورت سؤال و ﴿ ۳ ﴾ مشترکاً به بی‌نقص‌بودن جهان آفرینش و به اصطلاح به نظام احسن خلقت اشاره دارند؛ یعنی دنیا در بهترین وجه ممکن و بدون نقص آفریده شده است.

﴿ مفاهیم سایر گزینه‌ها ﴾

﴿ ۱ ﴾ راز هستی و خلقت گشودنی نیست. (مبهم‌بودن راز هستی)

﴿ ۲ ﴾ شکایت از روزگار و دفع غم با عیش و نوش و سرمستی

﴿ ۴ ﴾ به دنیا و کار دنیا هیچ اعتباری نیست.

﴿ ۴۱۹- گزینه ۱ ﴾ مفهوم بیت سؤال این است که بدون عنایت و توفیق الهی، چاره‌اندیشی و عقل راه به جایی نمی‌برند و این‌که تنها، توفیق و لطف خداوند کارگشا است. در ﴿ ۲ ﴾، ﴿ ۳ ﴾ و ﴿ ۴ ﴾ نیز این مفهوم دیده می‌شود؛ اما در ﴿ ۱ ﴾ مفهوم اصلی، توصیه به قدم‌گذاشتن در راه عشق و معرفت است.

• در ﴿ ۲ ﴾ «تا» صوت تحذیر است به معنی «آگاه باش، زنه‌ار، مبادا».

معنی بیت ۲: اگر عنایت خداوند دست تو را نگیرد، با سعی و تلاش به جایی نمی‌رسی؛ پس زنه‌ار تا بیهوده تلاش نکنی.



﴿ ۶۰۳-گزینۀ «۱» ﴾ عبارت صورت سؤال به مفهوم اهمیت علم و برتری عالم اشاره دارد، که این مفهوم در همهٔ گزینه‌ها به‌جز ۱ دیده می‌شود؛ در ۲ شاعر معتقد است که با علم، حتی بدون کشتی نیز می‌توان از آب گذشت، در ۳ شاعر علم را همچون کشتی نوح می‌داند که انسان را از طوفان جهل و نادانی نجات می‌دهد و در ۴ علم، انسان را تا به ماه نیز می‌برد؛ اما در ۱ سخن از این است که انسان عالم، نباید علمش را دامی برای به دست آوردن مال و مقام کند. پس مفهوم این بیت استفادهٔ درست از علم است.

﴿ ۶۰۴-گزینۀ «۲» ﴾ بیت سؤال، دقیقاً بدین معناست که: دلیران و مبارزان میدان نبرد، منتظر بودند تا ببینند چه کسی نخست به میدان می‌آید و برای مبارزه آماده می‌شود. پس پاسخ صحیح ۲ است.

﴿ ۶۰۵-گزینۀ «۱» ﴾ در بیت (ب)، «سهم» به معنای «ترس» و در بیت (پ)، «شاهد» به معنای «زیبارو» است.

﴿ ۶۰۶-گزینۀ «۳» ﴾ تقابل و رویارویی دو پهلوان در همهٔ ابیات به‌جز بیت ۳ آشکار است؛ در ۱، شاعر در مصرع اول این تقابل و رویارویی را نشان می‌دهد: [دو پهلوان] از شدت نفرت و دشمنی به سوی هم دویدند در ۲ نیز شاعر رویارویی دو مبارز را این‌گونه به تصویر می‌کشد که: [عمر] به سوی هژیر ژیان (علی (ع)) آمد و علی (ع)، آن سردار جنگجو نیز با وی رویاروی شد. در ۴ هم رویارویی و تقابل دو پهلوان بعد از ناکامی در جنگ اولیه مطرح شده است. اما در ۳ سخن از تقابل و رویارویی دو پهلوان نیست و تنها شکوه‌مندی و هیبت و تنومندی عمرو توصیف شده است.

﴿ ۶۰۷-گزینۀ «۱» ﴾ در بیت صورت سؤال، شاعر، جنگجوی تنومندی را توصیف می‌کند که جوشن به تن کرده و در فضای میدان کارزار، همچون کوهی از آهن و پولاد است. مشابه این تصویر و توصیف در ۱ نیز دیده می‌شود. ۲ توصیف نیزهٔ برنده‌ای است که کوه را نیز می‌شکافد، ۳ در توصیف ازدهایی است که با دم خود حتی کوه آهن را نیز می‌بلعد و بیت ۴ توصیف شخصی است ارجمند و باوقار و دلیر که حتی کوه آهن نیز نمی‌تواند او را تکان دهد!

﴿ ۶۰۸-گزینۀ «۲» ﴾ بیت صورت سؤال به گرد و غبار ایجادشده از شدت درگیری دو پهلوان اشاره می‌کند، به طوری که هیكل دو پهلوان به خاطر این گرد و غبار زیاد، قابل مشاهده نبود. این تصویر، در همهٔ گزینه‌ها به‌جز ۲ دیده می‌شود. در ۲ شاعر با استفاده از «گرد» فقط سرعت حرکت لشکر را به تصویر کشیده است.

﴿ ۶۰۹-گزینۀ «۳» ﴾ بعد از آن که حریف [عمر] بر صورت علی (ع)، آب دهان انداخت؛ حضرت علی، فوراً [به جهت تسلط بر نفس و خشم خویش] شمشیر خود را بر زمین انداخت و در کشتن او (عمر) درنگ کرد.

﴿ ۶۱۰- گزینه ۱ ﴾ بررسی مفاهیم ابیات

الف) مثل کوه پا بر زمین کوبیدن، کنایه از «راسخ بودن» و استواری است.
ب) «رخ‌نمودن شاهد آرزو» بر «ناکامی» دلالت دارد. (شاهد به معنی «زیبارو» و ترکیب «شاهد آرزو» یک اضافه تشبیهی است.)

پ) این که جبرئیل بوسه بر دست حضرت علی (ع) بزند نشانگر «تأیید الهی» است.

ت) با نام خدا شمشیر زدن حضرت علی (ع) نشان‌دهنده «اخلاص عمل» آن حضرت است.

﴿ ۶۱۱- گزینه ۴ ﴾ در بیت صورت سؤال سخن از جنگیدن و «بستن در صلح» (کنار گذاشتن صلح و آشتی) است، پس مقابل آن می‌شود: جنگ را کنار گذاشتن و صلح کردن که در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ به خوبی دیده می‌شود. در ۴ شاعر می‌گوید در چهره صلح تو سیمای جنگ را می‌بینم، پس مفهوم ۴ این است که در پس نگاه صلح آمیز معشوق، قصد جنگ نهفته است.

﴿ ۶۱۲- گزینه ۳ ﴾ در بیت سؤال، مفهوم اصلی بنده خدا بودن و نبرد کردن برای رضای خدا است؛ در ۳ نیز اخلاص و ترجیح رضای خدا بر رضای خود دیده می‌شود و صائب معتقد است بنده خدا بودن با خواسته‌های شخصی سازگار نیست؛ پس مفهوم مشترک، همان اخلاص و بنده خدا بودن است. در ۱ مردانگی و گرفتن حق خود به هر قیمت دیده می‌شود. در ۲، محور سخن این است که قدرت بازو بر سلاح جنگی برتری دارد. «مرحوب» از پهلوانان یهود بود که در نبرد خیبر توسط حضرت علی (ع) کشته شد. در ۴، مفهوم اصلی این است که راضی نبودن به تقدیر الهی، سبب ناگوارتر شدن آن می‌شود. معنی بیت: کسانی که از سرنوشتی که خدا رقم زده است ناراضی هستند، غافل هستند که این ناراضیتی آن‌ها مانند آن است که به شمشیر برنده تقدیر، زهر می‌زنند و اثر این شمشیر را بیشتر می‌کنند.

﴿ ۶۱۳- گزینه ۳ ﴾ در ۳ شاعر می‌گوید: تلاش کن تا هر لحظه و نفسی که زمان داری، از دستت نرود و فوت نشود؛ پس مفهوم این بیت اغتنام فرصت است. در سایر گزینه‌ها همانند بیت سؤال مفهوم اصلی فقط بنده خدا بودن و دوری کردن از هوای نفس است.



﴿ ۶۷۸-گزینۀ «۴» ﴾ مفهوم بیت صورت سؤال این است که عزّت و ذلّت به دست خداوند است، این مفهوم در ﴿ ۴ ﴾ به زیبایی آمده است: تو با ما (= خدا) شاه هستی و بدون ما «تو» هستی. مفاهیم سایرگزینۀها

﴿ ۱ ﴾ این دنیا آمیخته‌ای از خواری و عزّت است و آن دنیا فقط عزّت و بقاست.

﴿ ۲ ﴾ ارزشمندی دل (لزوم توجّه به دل؛ چون دل محلّ شهود و معرفت است).

﴿ ۳ ﴾ کسی که در عالم عشق خوار شده است، در عین خواری، عزّت نفس و بزرگی خود را به همراه دارد.

﴿ ۶۷۹-گزینۀ «۴» ﴾ در ابیات ﴿ ۱ ﴾، ﴿ ۲ ﴾ و ﴿ ۳ ﴾ شجاعت و دلیری جلال‌الدین وصف شده است و البته

مبارزهٔ جانانهٔ وی با دشمنان و کشتن آنان؛ اما ﴿ ۴ ﴾ در وصف رود سند است.

﴿ ۶۸۰-گزینۀ «۲» ﴾ مفهوم عبارت سؤال و ﴿ ۲ ﴾ این است که غیر از خدا، کسی حکمت آفرینش انسان را نمی‌داند.

مفاهیم سایرگزینۀها

﴿ ۱ ﴾ خود را به صورت‌های مختلف دیدن (احوال گوناگون آدمی)

﴿ ۳ ﴾ تسلیم‌بودن در برابر معشوق

﴿ ۴ ﴾ خوشی و شادمانی شاعر!

﴿ ۶۸۱-گزینۀ «۱» ﴾ مضمون اصلی ابیات سؤال به تنگنا و اضطراب افتادن ضحاک و نگرانی و پریشانی

وی است. مفهوم ﴿ ۱ ﴾ آرام و قرار نداشتن ظالم است و شاعر می‌گوید: اگر این‌طور نیست که ظلم خواب و

قرار را از چشم ستمگر نمی‌گیرد، چرا پیکان در بدن آرام نمی‌گیرد و دائم در حال حرکت است؟

مفاهیم سایر گزینه‌ها

۲ اثر نداشتن نالهٔ مظلوم در ظالم

۳ ظالم سزای ظلمش را خواهد دید / دور روزگار بر پایهٔ عدل است.

۴ ظالم پس از مرگش هم از کشتن مردم سیر نمی‌شود و دست از ظلم بر نمی‌دارد.

﴿۸۲۸- گزینهٔ «۳»﴾ مفهوم ﴿۳﴾ این است که کسی که گمراه است نمی‌تواند دیگران را راهنمایی کند، اما در سایر گزینه‌ها به راهنما و هدایتگر بودن خداوند اشاره شده است.

﴿۸۲۹- گزینهٔ «۳»﴾ مفهوم مشترک بیت سؤال و ﴿۳﴾ ناتوانی عقل و فهم در درک خداوند است. در ﴿۳﴾ شاعر می‌گوید: عقل که تو او را راهنما قرار دادی و تو به او درک و فهم آموختی، توان آن را ندارد که بخواهد در تو نگاه کند و تو را بشناسد.

﴿مفاهیم سایرگزینه‌ها﴾

﴿۱﴾ خداوند به ما خرد و بصیرت داده است تا او را بشناسیم.

﴿۲﴾ هیچ کس از اسرار آفرینش خداوند آگاه نیست. (در این‌جا سخن از آفرینش است و در بیت سؤال صحبت از خداوند.)

﴿۴﴾ کسی که عقل و خرد دارد حکمت صنع خداوند را درمی‌یابد.

﴿۸۳۰- گزینهٔ «۲»﴾ مفهوم ﴿۲﴾ عجز عقل از درک خواست و ارادهٔ خدا و خیرگی چشم در حکمت الهی است. اما مفهوم مشترک سایر ابیات ناتوانی عقل از درک خدا و عجز در وصف اوست.

﴿۸۳۱- گزینهٔ «۴»﴾ مفهوم مصراع صورت سؤال این است که خداوند شبیه و نظیر ندارد؛ این مفهوم در همهٔ گزینه‌ها به‌جز ﴿۴﴾ آمده است، در ﴿۴﴾ شاعر، سخاوتمندی و وفاداری ممدوح خود را توصیف می‌کند.

﴿۸۳۲- گزینهٔ «۲»﴾ معنی آیهٔ شریفه: هر که را خواهی عزّت بخشی و هر که را خواهی خوار گردانی. در ﴿۱﴾، ﴿۳﴾ و ﴿۴﴾ همانند آیهٔ شریفهٔ صورت سؤال مفهوم اصلی این است که عزّت و ذلّت در دست خداست؛ اما مفهوم ﴿۲﴾ این است که از گرفتاری دیگران نباید شاد شد.

• در ﴿۴﴾ بین ماه و ماهی تضاد مضمونی است. ماه اوج آسمان است و ماهی زیر زمین. گذشتگان بر این باور بوده‌اند که زمین بر شاخ گاو است و آن گاو بر پشت ماهی. پس ماهی (مجازاً قعر زمین) با ماه (مجازاً اوج و فراز آسمان) تضاد دارد.

﴿گزینه ۴-۱۰۴۹﴾ مفهوم مشترک بیت سؤال و ﴿۴﴾ این است که مهر وطن با وجود ما آمیخته شده است. مفاهیم سایرگزینه‌ها

﴿۱﴾ عاشق شدن و در کوی معشوق جای گرفتن

﴿۲﴾ جان فشانی در راه وطن

﴿۳﴾ پایداری در عشق وطن تا مرگ / دعا برای جاودانگی ایران

﴿گزینه ۴-۱۰۵۰﴾ مفهوم بیت صورت سؤال ستایش وطن و وطن پرستی است. در ﴿۴﴾ نیز شاعر همین مفهوم را این گونه بیان کرده است.

عشق به وطن و جاذبه میهن، سرمستان را از غربت به سوی وطن کشاند. مفاهیم سایرگزینه‌ها

﴿۱﴾ یار در دل جا دارد و گنج در ویرانه.

﴿۲﴾ وطن اصلی، فراتر از مرز و جغرافیاست (عالم ملکوت، وطن اصلی است).

﴿۳﴾ توصیه به مهاجرت از وطن: ای سعدی حدیث: «وطن دوستی، نشانه ایمان است» حدیثی درست و مسلم است، اما نمی‌توان در این وطن، با رنج و سختی جان داد فقط با این توجیه که من در این وطن به دنیا آمده‌ام! (مفهومی مقابل بیت صورت سؤال)

﴿گزینه ۴-۱۰۵۱﴾ در عبارت صورت سؤال سخن از این است که هر نقش و نگاری در این جهان هست، نتیجه یک جلوه معشوق است. در ﴿۴﴾ نیز همین مفهوم وجود دارد.

﴿۱﴾ چشم پوشیدن از زیبایی‌های جهان مایه ایمن شدن در برابر فتنه‌هاست.

﴿۲﴾ برتر دانستن حسن معشوق بر همه زیبایی‌های عالم

﴿۳﴾ نگاه حقیقت بین داشتن (خدا را عامل اصلی همه چیز دانستن)

﴿گزینه ۳-۱۰۵۲﴾ در بیت صورت سؤال بر این دو مطلب تأکید شده است: راه عشق پرخطر و طولانی است و پیمودن این راه دشوار کار مردان شایسته است. تنها در ﴿۳﴾ هر دو مفهوم دیده می‌شود.

مفاهیم سایرگزینه‌ها

﴿۱﴾ باید برای رسیدن تلاش کرد حتی اگر رسیدن ممکن نباشد.

﴿۲﴾ راه پرخطر و طولانی عشق نیز پایان خواهد یافت.

﴿۴﴾ بی‌کراکی عشق / تسلیم شدن و جان سپردن در راه عشق

﴿گزینه ۳-۱۰۵۳﴾ در عبارت سؤال سخن از این است که کسی که دل به عشق ناپایدار بسته و به آن قانع شده است، توان عشق حقیقی را ندارد. در ﴿۳﴾ نیز شاعر می‌گوید: کسانی که وجودشان گنجایش حقایق را ندارد به جای خورشید به شمع قانع شده‌اند.

مفاهیم سایرگزینه‌ها

﴿۱﴾ تنها معشوق سخن عاشق را درک می‌کند.

﴿۲﴾ با وجود خورشید نیازی به شمع نیست / انسانی که دلش آگاه است، نیازی به چشم سر ندارد.

﴿۴﴾ تنها عاشق گرفتار از عشق خبر دارد.



۱۰۵۴- گزینه «۳» مفهوم مشترک بیت سؤال و ۳ این است که کسی به کل رسیده است نیازی به جزء ندارد.

مفاهیم سایر گزینه‌ها

۱ هر که همت عالی داشته باشد به هر چه بخواهد می‌رسد.

۲ هر کس عاشق است روز و شب بی‌قرار است.

۴ کسی که جلوه معشوق را ندیده است به مقام جان‌بازی عاشقانه نمی‌رسد.

۱۰۵۵- گزینه «۲» مفهوم مشترک عبارت سؤال و ۱، ۳ و ۴ این است که عاشق نه امکان

وصل دارد نه توان صبر از فراق یار. در ۲ سعدی می‌گوید: نه یار لطف و توجهی به من دارد و نه من کس دیگری را دارم که از یار بگریزم و به او پناه ببرم.

۱۰۵۶- گزینه «۱» مفهوم بیت نخست، توصیف زیبایی و قامت بلند معشوق است، اما مفهوم مشترک بیت

صورت سؤال و سایر گزینه‌ها این است که نه دوری معشوق را می‌توان تحمل کرد و نه امکان وصال وجود دارد.

در ۳ «احتمال» به معنی «تحمل» است و «رفتار» به معنی «رفتن».

۱۰۵۷- گزینه «۲» طاووس همان پرنده‌ای است که دوستدار بهشت بود و عشق به بهشت مانع از

سیر و سلوک او به سمت خدا شده بود. فقط بیت ۲ چنین حال و هوایی دارد. ۱ بهانه بلب، ۳

بهانه باز و ۴ بهانه بط (= مرغابی) است.



«۱۱۲۷-گزینۀ ۲» مفهوم عبارت سؤال فراگیربودن لطف و رحمت خداوند است که در ج ۲ هم دیده می‌شود؛ زیرا شاعر می‌گوید از کسی (خداوند) روزی بخواه که هرگز اهل چانه‌زدن نیست و روزی او شامل همه می‌شود.

۱ مَناعت طبع و بلندنظری / تغییرناپذیری ذات: از انسان پست انتظار امان نداشته باش؛ زیرا هیچ‌گاه موجود بی‌ارزش (پلاس) با ارزش (اطلس) نخواهد شد.

۳ توصیه به ترک طمع

۴ بی‌بهره بودن از عشق

۱۱۲۸- گزینه ۱» مفهوم ۱ این است که انسان با تجربه زیر بار منت دیگران نمی‌رود، اما مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و سایر گزینه‌ها تن به سختی دادن ولی زیر بار منت غیر نرفتن است.

۱۱۲۹- گزینه ۲» مفهوم مصراع صورت سؤال برتری عقل بر ظاهر و لباس است. در ۱ عطار توصیه می‌کند عقل و عقلانیت را کنار بگذاریم، در ۲ سعدی نیز همانند پروین اعتصامی دستار و کلاه را بی‌اهمیت می‌داند و آن چه را می‌ستاید مغز و عقل است. در ۳ ناصرخسرو، عقل و خرد را همچون کشتی‌ای می‌داند که ما را از دریای حوادث دنیا نجات می‌دهد و در ۴ عقل و خرد همانند انسانی عاجز تصویر شده است که از سر عجز از مجلس سرمستی و عشق فرار کرده است.

۱۱۳۰- گزینه ۲» مفهوم مشترک بیت سؤال و ۱، ۳ و ۴ استغنائی عاشق است و این که عاشق با وجود عشق نیازی به دو عالم ندارد و به بهشت و جهنم و دنیا اعتنایی نمی‌کند. در ۲ شاعر می‌گوید: درد و غم عشق، این جهان خاکی را برای من آن‌چنان جهنم کرده است که دیگر از بهشت یاد نمی‌کنم. البته این معنی را هم می‌رساند که دوزخ درد تو را به بهشت ترجیح می‌دهم. در ۴ «به سر خویش» یعنی به تنهایی و مستقلاً.

۱۱۳۱- گزینه ۲» مفهوم عبارت صورت سؤال، به پایان رسیدن دوران خوشی و آغاز ناخوشی است؛ از این عبارت، مفهوم کلی دگرگونی احوال دنیا نیز قابل برداشت است. در ۱، ۳ و ۴، این دگرگونی احوال دنیا و ناپایداری خوشی و ناخوشی وجود دارد. اما مفهوم ۲، بازگشت به اصل است و شاعر می‌گوید: جان عزیز تو که از دیار قدس (بهشت و عالم معنا) آمده، در غم این دنیا نخواهد ماند.